

جلوه‌هایی

از چهره‌ی

حضرت علی (ع)

در مثنوی

سیامند قادری

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، مهاباد

چون هر کسی به نوع طاعتی تقرّب جوید، به حق تقرّب جوی...»، مولانا با به وجود آوردن ابیاتی گران بهاء، دل عاشقان راه راستین اسلام را مجذوب کلام خود می‌گرداند. با این هدف که همگان را به ارزش والای بزرگان اسلام واقف کند و چنین بیان می‌دارد.

گفت پیغمبر علی را کای علی
شیر حقی پهلوانی پُر دلی
لیک بر شیر می مکن هم اعتماد
اندر آ در سایه‌ی نخل امید
اندر آ در سایه‌ی آن عاقلی
کش نداند برد از ره ناقلی
... یا علی از جمله‌ی طاعت راه

برگزین تو سایه بنده‌ی اله
(نیکلسون، ۱، ص ۱۳۲)
در این ابیات غراً می‌بینیم که مولانا از زبان پیامبر، چه زیبا حضرت علی (ع) را توصیف می‌کند و مصرع «شیر حقی پهلوانی پُر دلی» به چه نحوی در دل عاشقان اهل بیت رخنه پیدا می‌کند. به حق که زیبا بیان گردیده است.

در دفتر اول مثنوی، باز می‌بینیم که در جریان داستان «خدا انداختن خصم بر روی امیرالمومنین (ع)»، مولانا چه زیبا خواننده را به پندآموزی از شیوه‌ی حضرت علی (ع)، در هنگام خشم دعوت می‌کند و دوباره می‌بینیم که با استفاده از شعر خود، احساسات درونی خواننده‌ی شعر خویش را برمی‌انگیزاند و او را در راه پی‌گیری شیوه‌ی امام علی (ع) ثابت قدم نگه می‌دارد و با چنین بیانی می‌سراید:

از علی آموز اخلاص عمل
شیر حق را دان مظهر از دغل
در غزا بر پهلوانی دست یافت
زود شمشیری بر آورد و شتافت
او خدو انداخت بر روی علی
افتخار هر نبی و هر ولی
آن خدو زد بر رخ که روی ماه
سجده آرد پیش او در سجده‌گاه
در زمان انداخت شمشیر آن علی
کرد او اندر غزالش کاهلی
گشت حیران آن مبارز زین عمل
وز نمودن عفو و رحمت بی‌محل...

در روی زمین به غیر از این سه نفر هیچ کس خداوند را با این دین عبادت نمی‌کند». (البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۲۱) این بر همگان روشن و واضح است که حضرت علی (ع) از نزدیک‌ترین کسان به حضرت محمد مصطفی (ص) بود و می‌توان گفت که: «با توجه به این که امام علی (ع) از دوران کودکی تحت تربیت خاص نبی گرامی اسلام (ص) قرار گرفت و با آن حضرت همراه بوده، منزلت و جایگاه ویژه‌ی نزد آن حضرت داشت، طبیعی‌ست که اولین کسی باشد که به دین اسلام ایمان آورد و کسی پیش از آن حضرت به پیامبر و دین او گرایش نیافته باشد. سبقت آن حضرت در ایمان به خدا و نمازگزاردن با نبی گرامی اسلام مورد اتفاق مسلمانان است». (سیمای پیامبر اکرم در نهج البلاغه، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳)

جلوه‌هایی از چهره‌ی

حضرت علی (ع) در مثنوی مولوی

در مثنوی معنوی، اثر پُراج مولانا که از مفاخرات ادب فارسی به حساب می‌آید، در خصوص حضرت علی بیت‌هایی بسیار زیبا وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی ارادت خالص و بی‌آلایش مولانا به آن یار نبی‌ست. امیرالمومنین، علی (ع) بعد از ختمی مرتبت، نبی اکرم اسلام (ص)، بدون شک بزرگ‌ترین شخصیت شناخته‌ی شده‌ی جهان اسلام به حساب می‌آید. در بحث وصیت پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) که

□ سر آغاز

حضرت علی (ع) از بزرگ‌مردان تاریخ اسلام و به طور کلی تاریخ بشریت هستند. در این که حضرت علی (ع) و خدیجه همسر گرامی پیامبر از نظر اسلام و ایمان بر هم مقدم‌اند، جای هیچ تردیدی وجود ندارد و این حقیقتی‌ست که مسلمانان جهان بر آن اتفاق نظر دارند و در این مورد امام علی (ع) در نهج البلاغه خود این را فرموده‌اند. چنین بیان داشته‌اند که در آغاز بعثت، اسلام در هیچ خانه‌ی راه نداشت مگر در خانه‌ی رسول خدا (ص) و پیروان او فقط دو نفر، آن هم امام علی (ع) و همسر گرامی نبی گرامی اسلام، یعنی حضرت خدیجه (س) بودند. در این مورد ابن مسعود به عنوان اولین خاطره‌ی که از اسلام یاد می‌کند، چنین بیان می‌دارند که با عموهایم به مکه آمدیم. نزد عباس بن عبدالمطلب رفتیم. در گوشه‌ی از مسجد الحرام نشسته بودیم، ناگهان مردی از باب صفا وارد شد و در پی او نوجوانی و بعد از او بانوی عقیقی وارد شد و بعد از آن مرد آن دو استلام حجر نموده و هفت دور طواف کردند. از عباس پرسیدم: چه خبر شده، دین جدیدی آمده است؟ این‌ها چه کسانی هستند؟

در پاسخ گفت: این مرد برادرزاده‌ی من، محمد بن عبدالله و آن زن همسر او و آن نوجوان، فرزند ابوطالب است. آن‌گاه ابن عباس می‌گوید: «ما علی وجه الارض احد یعبد الله بهذا الدین الا هولاء الثلاثة».

... ای علی که جمله‌ی عقل و دیده‌ی

شمه‌ی واگو از آنچه دیده‌ی

تیغ حلمت جان ما را چاک کرد

آب علمت خاک ما را پاک کرد

(نیکلسون، ۱، ص ۱۶۳)

جریان این داستان، چنان زیبا بیان شده است که اگر همه‌ی آن را هم در این مقاله بیاورم، باز جا دارد. اشاره به اخلاص عمل حضرت علی (ع)، اشاره به چهره‌ی منورتر از ماه او که خورشیدآسا بر همه‌ی عالم می‌تابد. اشاره به عقل سرشار آن بزرگوار، همه و همه، وسایل و ابزار شاعر گران‌مایه، مولانا می‌باشد که در لفظ خود بیان داشته است و ما را متوجه بزرگواری‌های آن امیرمومنان می‌کند.

گفت من تیغ از پی حق می‌زنم

بنده‌ی حقم نه مأمور تنم

شیر حقم نیستم شیر هوا

فعل من بر دین من باشد گواه

(نیکلسون، ۱، ص ۱۶۶)

در پایان دفتر اول، دوباره جریان داستان را با توضیحاتی دیگر از حضرت علی (ع) به پایان می‌رساند.

یا تبر برگیر و مردانه بزن

تو علی‌وار این در خیبر بکن

یا به گلن وصل کن این خار را

وصل کن با نار نور یار را

(نیکلسون، ۲، ص ۲۲۸)

در **دفتر دوم مثنوی**، مولانا از شیوه‌ی رفتار حضرت علی (ع) الهام می‌جوید و برای رهایی از خودی بد خود دو را پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: «یا چنان که مولا علی (ع) در سال هفتم هجری، در قلعه‌ی خیبر را کند و آن قلعه را از یهود گرفت، باید قلعه‌ی تن و علائق مادی را گرفت و خوی بد را از درون خود راند، یا باید دست به دامن مرشدی زد تا خار وجود از اتصال به گلبن هدایت او گل شود. نور یار نیز هدایت مرشد است که نار خوی بدر را می‌کشد و خاموش می‌شود». (استعلامی، ج ۲، ص ۲۳۸) و پند می‌دهد که اگر خودت خاری و نمی‌توانی دست از خاربودن خودت برداری، لااقل از خاربودن برای دیگران دست بردار و خاربودن را از ریشه بکن و مانند حضرت علی (ع) به گل نبی‌اکرم تبدیل شو.

در دفتر سوم در «قصه‌ی دقوی»، در خصوص تشبیه حضرت علی (ع) به شیر که علی را شیر خدا نامیده‌اند. می‌توان چنین بیان داشت که در واقع حضرت علی (ع) چه شباهتی به شیر دارد؟ در ظاهر، صورت و پیکر آنها مانند یک‌دیگر نیست. او را بالاتر از شیر توصیف کرده است و او را در مبارزه با هوای نفس در دفتر اول که در بالا ذکر شده، شیر حق گفته است که تعبیری دیگری است از لقب «اسدالله» و مولانا، حضرت علی (ع) را در مبارزه با هوای نفس چون شیر دلیر و نیرومند می‌داند و در سایر موارد، بالاتر از شیر می‌داند.

غره کن شیر ورا ای شیر حق

تا رود آن غره بر هفتم طبق

چه خبر جان ملول سیر را

کی شناسد موش غره‌ی شیر را

(نیکلسون، ۴، ص ۶۹۶)

درست است که در این دو بیت، مورد خطاب حسام‌الدین چلبی‌ست، که ناشایستگی و هدایت‌ناپذیری بعضی از مردان که جایگاه و تأثیر روحانی وی را درک نمی‌کنند، ولی با کمی تأمل می‌توان دریافت که هدف اصلی مولانا، با تعریضی زیبا، حضرت علی (ع) بوده است که غرش صدای او تا آن سوی افلاک می‌رود و همه را ارشاد می‌کند، تأثیر این صدای هم‌چو شیر را در دل کفار، بیان می‌نماید.

در خصوص توصیف توانایی‌های حضرت علی (ع) و همراهی ذوالفقار، آن شمشیر خون‌کفاریز، کتاب‌ها و مطلب‌ها نگاشته شده است و این‌که تنها در دستان حضرت علی، توانایی خود را نشان می‌داد و تنها بازوان آن بزرگوار توانایی برداشتن آن را داشت و کسی پر دل و جرأت همانند آن یار نبی اکرم (ص) می‌توانست با ذوالفقار به میدان نبرد برود.

چون که مردی نیست خنجرها چه سود

چون نباشد دل ندارد سود خود

از علی میراث‌داری ذوالفقار

بازوی شیر خدا هستت بیار

گر دلیلت هست اندر فعل آر

تیغ چوبین را بدان کن ذوالفقار

(نیکلسون، ۵، ص ۸۳۸)

در اواخر دفتر ششم، مولانا تفسیر این خبر را که حضرت مصطفی (ص) فرمودند: من کنت مولا فعلی مولاه، با ابیاتی زیبا بیان می‌دارد و درس آزادی و آزادگی را با این دلیل به همگان می‌آموزد و چنین می‌آورد:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد

نام خود و آن علی مولا نهاد

گفت هر کو را منم مولا و دوست

ابن عم من علی مولای اوست

کیست مولا آن‌که آزادت کند

بند رقیبت ز پایت برکند

چون به آزادی نبوت هادی است

مومنان را ز انبیا آزادی‌ست

(نیکلسون، ۵، ص ۱۱۱۵) ■

منابع

- ۱- ابن کثیر، اسماعیل، **البدایه و النهایه**، ج ۶، ناشر دارالمعرفه، بیروت، چاپ اول، ۱۳۹۶ هـ.ق.
- ۲- زهادت، عبدالمجید، **سیمای پیامبر اکرم در نهج البلاغه**، ناشر موسسه‌ی بوستان کتاب قلم، چاپ اول، قم، ۱۳۸۴
- ۳- مولوی، جلال‌الدین محمد، **مثنوی معنوی**، تصحیح رینولد الین نیکلسون، انتشارات بهزاد، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۱
- ۴- همان، **شرح مثنوی**، تصحیح، تحلیل و توضیح، محمد استعلامی، ج ۲، انتشارات زوآر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.